



یادداشت

مردم اگر نجبنند نان خالی را هم از سفره هایشان می دزدند

صادق کار



از آن موقع تا همین الان سرمایه داران طرفدار آزاد سازی قیمت‌ها و منجمد کردن دستمزدها به مردم وعده، ارزانی و وفور نعمت می دهند، اما سال به سال وضع مردم بدتر شده است و وضع آنهایی که این وعده ها را داده و می دهند سال به سال بهتر شده است

تا دو هفته پیش همه آنان دادن یارانه و اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی را گدا پروری می خواندند و خواهان آزادی قیمت‌ها و حذف ارز ترجیحی بودند، حالا از فائزه رفسنجانی گرفته تا روسای ثروتمند اتاق های بازرگانی، خواستار پرداخت یارانه به تولید کنندگان یا در واقع ثروتمندان به جای مردمی که آنها را به مرز گرسنگی کشانده اند شده اند

انتشار تصمیم کوپنی و سهمیه بندی کردن نان بعد از چند نوبت گران کردن قیمت نان، چیزی نیست که بشود نسبت به عواقب آن کم توجهی نشان داد و از کنارش رد شد. با نخوردن، گوشت و تخم مرغ و لبنیات و سبزی و میوه به رغم همه بیماریها و عوارضی که ببار می آورد شاید بتوان مدتی را سر کرد، ولی نان چیزی نیست که بشود مثل اقلام خوراکی دیگر گرانی و کمبودش را تاب آورد. بخصوص زمانی که جای گزین های که برای آن وجود دارد قیمت شان از نان بیشتر باشد. قیمت برنج و اقلام خوراکی نشاسته ای هم اکنون هنوز نان جیره بندی نشده است آن چنان بالا رفته اند که اقشار نسبتا مرفه هم به دشواری می توانند بهای آنها را پرداخت کنند. قیمت حبوبات نیز که قبلا جایگزین های مناسبی برای نان بودند بسیار بالا رفته است

بی شک "یارانه ای" کردن نان مقدمه ای است برای گران کردن مجدد قوت لایموت ده ها میلیون ایرانی که بنا به اذعان مقامات دولتی و آمارهای رسمی تعدادشان سر به ۶۰ میلیون می زند و نیمی از آنان هم اکنون برای تامین نان روزانه شان نیازمند کمک هستند

یارانه ای یا به واقع جیره بندی کردن نان تحمیل گرسنگی به فقیرترین و بی چیزترین جمعیت کشور است. زیرا مقدار نان جیره ای به احتمال زیاد برای سیر کردن شکم نباید کافی باشد. همانطور که هنگام جیره بندی کردن سایر اقلام خوراکی دیده ایم مقدار آنها کمتر از حداقل نیازهای انسان بود و همان مقدار نیز به تدریج کاهش و سپس حذف و قیمت شان آزاد یا در واقع آنقدر گران شدند که مردم مجبور به کنار گذاشتن شان از سفرهای خود شده اند. و قتیکه سهمیه نان به قیمت دولتی که هنوز نرخ آن را هم مشخص نکرده اند، برای سیر کردن شکم خانواده کافی نباشد، سرپرست خانواده مجبور می شود کمبود آن را با نرخ آزاد تهیه کند یا اگر وسیع اش نرسد خانواده اش را به گرسنگی عادت دهد. با این اوصاف دیگر پولی برای تهیه مواد غذایی دیگر که بدن انسان به آنها نیاز دارد برای خیل کثیری از مردم باقی نمی ماند



تنها چند ماه پیش زمانی که قیمت گوشت و مرغ آنچنان بالا رفت که صدای مردم را در آورد، علم الهدی امام جمعه مشهد، از مردم خواست بجای مرغ و گوشت اشکنه بخورند. حالا که قیمت تخم مرغ هم چنان بالا رفته که خوردن اشکنه را هم برای خیلی از مردم دشوار کرده، دیگر به جز نان چه برای مردم باقی مانده است که با آن بتوانند شکم شان را سیر کنند؟

رویه دولتهای پیشین این بود که قیمت کالاهای اساسی را با حذف تدریجی و پلکانی سوبسیدها و آزاد سازی قیمتها بالا ببرند. در دولتهای پیش از رفسنجانی بیشتر مواد غذایی به غیر از نان به صورت سهمیه کوپنی در اختیار مردم قرار می گرفت و مقداری از نیازهای غذایی مردم را تامین می کرد و قیمت نان نیز نسبتا ارزان بود. زمان رفسنجانی این رویه شروع به تغییر کرد و با ۲۳ برابر کردن قیمت دلار و حذف سهمیه بندی از یک سو قیمت کالاهای اساسی چند برابر شد و از سوی دیگر دستمزدها ثابت و قدرت خرید مزد بگیران سقوط کرد. در دولت خاتمی نیز آزاد سازی قیمتها با تعدیلاتی نسبت به دوران رفسنجانی و بقول خودشان به صورت پلکانی ادامه یافت و تورم دولت رفسنجانی در دولت خاتمی تا حدود زیادی مهار شد و آهنگ سقوط ارزش ریال و دستمزدها کاهش یافت.

در دولت احمدی نژاد این روند دوباره با وجود افزایش شدید درآمدهای نفتی معکوس شد. در دوران روحانی روند حذف سوبسیدها که با نقدی کردن یارانه توسط احمدی نژاد شروع شده بود تشدید شد و همزمان با آزاد سازی قیمتها دستمزدها نیز منجمد شد. چند برابر کردن قیمت دلار موجب افزایش قیمت کالاهای اساسی به همان نسبت شد. گسترش اعتراضات و خیزش دی ۹۶ موجب اختصاص دلار ۴۲۰۰ تومانی برای جلوگیری از قیمت کالاهای اساسی و دارویی شد. سه برابر کردن ناگهانی قیمت بنزین خیزش آبان ۹۸ را سبب شد.

حالا دولت رئیسی هم می خواهد هم با برداشتن حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و بالا بردن قیمت بنزین نان خالی را هم از سفرهای قریب ۶۰ میلیون ایرانی به زیر خط فقر رانده شده، بدزد و آن را در اختیار نهادهای نظامی – امنیتی و ایدئولوژیک همچون حوزه های علمیه و نهادهای تبلیغاتی رژیم بنماید.

روندد پروسه آزاد سازی قیمتها نشان می دهد که وضعیت معیشتی مردم از زمان دولت رفسنجانی سال به سال بدتر شده است، تا پیش از آن هم نان آزاد و ارزان بود و هم کالاهایی که خوردنشان برای بسیاری از مردم به آرزو تبدیل شده اند با قیمت مناسبتر از امروز وجود داشت و سفرهای مردم این همه تهی نبود. از آن موقع تا همین الان سرمایه داران طرفدار آزاد سازی قیمتها و منجمد کردن دستمزدها به مردم وعده، ارزانی و وفور نعمت می دهند، اما سال به سال وضع مردم بدتر شده است و وضع آنهايي که این وعده ها را داده و می دهند سال به سال بهتر شده است.

تا دو هفته پیش همه آنان دادن یارانه و اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی را گدا پروری می خواندند و خواهان آزادی قیمتها و حذف ارز ترجیحی بودند، حالا از فائزه رفسنجانی گرفته تا روسای ثروتمند اتاق های بازرگانی، خواستار پرداخت یارانه به تولید کنندگان یا در واقع ثروتمندان به جای مردمی که آنها را به مرز گرسنگی کشانده اند شده اند. یارانه اگر به نان داد شود گدا پروری است، ولی اگر به سرمایه داران داد شود گویا باعث رشد تولید و ارزانی و وفور کالا می شود.

سهمیه بندی نان تنها تحمیل گرسنگی و نیمه گرسنه نگاه داشتن مردم و گران کردن نان نیست. مقدمه ای است برای گران کردن تمام کالاهای و خدمات.

گسترش فقر و بی عدالتی و شکاف طبقاتی. افزایش سوء تغذیه، بیماری، مرگ و میر،

بزه کاری و نا امنی و پلیسی شدن روز افزون جامعه از پیامدهای اجتناب ناپذیر این سیاست آزاد سازی قیمتها دولت و حکومت هستند.

در حال حاضر این جنبشهای اجتماعی و نهادهای مدنی هستند که در مقابل این سیاستهای عدالت ستیزانه و فلاکت آور ایستادگی و مبارزه می کنند. هم از این رو همه گروه های سیاسی و مدنی و کسانی که مخالف استبداد و بی عدالتی و طرفدار آزادی و پیشرفت کشور و مردم هستند باید از جنبشهای فعال اجتماعی و مدنی که در داخل کشور در حال مبارزه با استبداد و بی عدالتی هستند حمایت کنند.

**علیه سیاست شوک درمانی فقر افزا و آزاد سازی قیمت ها توسط حکومت متحدانه مبارزه کنیم!
از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد و حقوق حمایت کنیم!**

حق اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگر است!

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای تشکیل سندیکا و تشکلهای مستقل و آزادی فعالین کارگری زندانی حمایت کنیم!



کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟ بخش سوم

الویسا بتی



تاریخ نگری به یک مباحثه امروزی، یک منظر جنسیتی جهانی

به نظر می رسد مباحثات اخیر و پیشتر در باره سرمایه داری، از چند نقطه نظر همگی با کار بی ثبات مرتبط بوده اند. اولاً برخی از مؤلفان بر رابطه محکم بین انواع جدید کار بی ثبات و روندهای بحران و بازسازی سرمایه تأکید کرده اند. صحت این ارتباط هم در جریان بحران سالهای ۷۰ قرن گذشته و هم در جریان بحران جهانی ۲۰۰۸ به اثبات رسیده است، و ای بسا که مطالعات بعدی تأثیر بحرانهای ۱۹۲۹ و اواخر قرن نوزده را نیز در بروز انواع بیشتری از کار بی ثبات آشکار کنند. برخی از پژوهشگران کار بی ثبات را به عنوان محصول خاص تحولات "اخیر"، "بالغ"، "پیشرفته"، "نئولیبرالی" و ... سرمایه داری تلقی کرده اند، در حالی که بیشتر آنان برای فهم نقش آن از منظر بلندمدت تاریخی کوششی نکرده اند.

بازاندیشی کار و سرمایه در قرن ۲۱ - ادامه

باید توجه داشت که سرمایه داری مفهوم بحث برانگیزی است. کتاب "سرمایه داری: ظهور مجدد یک مفهوم تاریخی"، تألیف تورگن کوکا (Jürgen Kocka) و مارسل فان در لیدن (Marcel Van Der Linden) تحولات و کاربردهای گوناگون این مفهوم را، از قرن نوزدهم به این سو، توضیح می دهد. علاقه مجدد به سرمایه داری و تاریخ آن، تحت تأثیر پدیده های تاریخی معاصر همچون بحران جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۸، می تواند پاسخ این سؤال باشد که چرا نتایج اغلب مطالعات پیرامون نقش کار بی ثبات در تحول سرمایه داری، در همین یک دهه اخیر انتشار یافته اند.

به نظر می رسد مباحثات اخیر و پیشتر در باره سرمایه داری، از چند نقطه نظر همگی با کار بی ثبات مرتبط بوده اند. اولاً برخی از مؤلفان بر رابطه محکم بین انواع جدید کار بی ثبات و روندهای بحران و بازسازی سرمایه تأکید کرده اند. صحت این ارتباط هم در جریان بحران سالهای ۷۰ قرن گذشته و هم در جریان بحران جهانی ۲۰۰۸ به اثبات رسیده است، و ای بسا که مطالعات بعدی تأثیر بحرانهای ۱۹۲۹ و اواخر قرن نوزده را نیز در بروز انواع بیشتری از کار بی ثبات آشکار کنند.



برخی از پژوهشگران کار بی ثبات را به عنوان محصول خاص تحولات "اخیر"، "بالغ"، "پیشرفته"، "نئولیبرالی" و ... سرمایه داری تلقی کرده اند، در حالی که بیشتر آنان برای فهم نقش آن از منظر بلندمدت تاریخی کوششی نکرده اند.

ثانیاً برای بررسی نقش کار بی ثبات در تاریخ سرمایه داری، وجود انواع مختلف سرمایه داری باید مد نظر قرار گیرد. کتاب "گونه های سرمایه داری"، تألیف پیتر هال و دیوید سوسکیس (David Soskice) نمونه های پراهمیتی از انواع ممکن وجود سرمایه داری را، چه در برش معینی از زمان و چه در تاریخ، به دست داده است. با این حال، آثاری که در نوشته حاضر بررسی شده اند، رابطه بین گونه ها یا انواع سرمایه داری و کار بی ثبات هنوز به کفایت تشریح نشده است. در این آثار مبحث کار بی ثبات آشکارا از مباحث مربوط به اشکال متنوع سرمایه داری تفکیک شده است.

پژوهشگرانی که به صراحت به "سرمایه داری" استناد کرده اند، در اکثر موارد بین انواع مختلف سرمایه داری تمایزی قائل نمی شوند، البته معمولاً کادر مرجع مستتر در آثار محققان اروپای غربی و تا حدودی آمریکائی، دید "شمال مرکز" آنان است. با این حال، پژوهشگران اخیرتری هم هستند که با هدف "استانی کردن" کار بی ثبات غربی، به وضوح به سرمایه داری جهانی و تغییرات (حداقل) همزمان آن در قاره ها و زیرقاره های مختلف اشاره می کنند.

از سوی دیگر، از نقطه نظر فمینیستی جنسیتی کردن روابط تولیدی سرمایه داری برای فهم کامل ماهیت فراگیر کار بی ثبات در تاریخ سرمایه داری، دارای اهمیت حیاتی است. وسکو زنانه شدن بسیار کار بی ثبات را نشان می دهد و رابطه بین جنس/جنسیت از یک طرف، و از طرف دیگر کار موقتی، نیمه وقت، قراردادهای "خویش فرمائی"، مزایای اجتماعی محدود، دستمزدهای کم، شرایط کاری بد، ... را بررسی می کند تا دریابد چرا و چگونه کار بی ثبات تا به این پایه زنانه شده است.

مادام که مباحثه پیرامون کار بی ثبات "شمال مرکز" و "فاقد جنسیت" بود، مفهوم محدودی از کار حاکم بود و سرمایه داری آمریکائی - اروپای غربی کادر مرجع تقریباً انحصاری آن مباحثات بود، اگرچه که این نکته همیشه تصریح نمی شد. بنابراین سرمایه داری غربی نیز، همراه با کار دستمزد آزاد به عنوان یگانه بروز کار بی ثبات، عمومیت یافته و به نرم تبدیل شده بود. رویکردهای جهانی، جنسیتی و پسااستعماری در دهه اخیر، با تحقیق اشکال کار بی ثبات فراتر از کار دستمزد آزاد و بررسی تنوع کار بی ثبات در درون انواع مختلف سرمایه داری، در بسط این مباحثه سهم به سزائی داشته است.

از مبارزه و مطالبات معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته حمایت کنیم!

متحدانه برای آزادی، معلمان و کارگران زندانی و سایر زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!



مصاف قلم و مدنیت با تفنگ و خشونت در اعتراض معلمان

صادق



چهارمین اعتراض سراسری معلمان به رغم همه تهدیدات و موانع تراشیهای ماموران امنیتی با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در ۲۳ دی ماه حداقل در ۸۱ شهر با موفقیت و بدون اینکه حکومت بتواند مانع از انجام آن گردد با شکوه تمام و با شرکت معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته برگزار شد.

در فراخوان شورای هماهنگی از فرهنگیان خواسته بود در اعتراض به بی توجهی دولت به همسان سازی حقوق بازنشستگان، تصویب ناقص رتبه بندی و عدم اجرای آن توسط دولت، فراموش شدن ماده ۶۴ قانون مدیریت خدمات کشوری، فقدان آموزش رایگان و بی توجهی به اصل ۳۰ قانون اساسی، عدم پرداخت پاداش پایان خدمت سال ۱۴۰۰، عدم استخدام معلمان خرید خدمات آموزشی و دربند بودن معلمان کنشگر و فعال صنفی به خیابان بیایند. اما تمرکز اصلی در همه تجمع ها روی دو خواسته اصلی فعلی معلمان و فرهنگیان: "همسان سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری و رتبه بندی شاغلان حداقل هشتاد درصد حقوق هیأت علمی بود

تاکید بر پیگیری خواسته ها و ادامه مبارزه

معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته با شرکت گسترده خود در اعتراضات خواستار اجرای رتبه بندی و همسان سازی حقوق های خود شدند و بار دیگر ادامه اعتراضات خود تا رسیدن به مطالباتشان تاکید کردند و اعلام کردند اگر به خواسته هایشان پاسخ داده نشود در مراحل بعدی کلاسهای درس را نیز تعطیل خواهند کرد.

هر جا ماموران سرکوب به خشونت متوسل شد شعارها هم سیاسی شد

در هنگام برگزاری اعتراضات شعارهایی نیز مرتبط با خواسته های معترضین در شهرهای مختلف داده شد. شعارهایی که عمدتاً مشابه و مطالباتی بود و در جاهایی که ماموران امنیتی برای برهم زدن تجمع ها متوسل به زور و خشونت شدند، شعارها تندتری که تا حدودی سیاسی بودند نیز داده شد.

معلم به پا خیز برای رفع تبعیض، معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن، معلم زندانی آزاد باید گردد، اجرای همسان سازی بدون حقه بازی، "آموزش رایگان برای همه کودکان، اجرای همترازی بدون حقه بازی، علیه ظلم و تبعیض به پا خیز معلم، اسماعیل عبدی و مهدی فتحی "...آزاد باید گردند، قلم بر تفنگ غالب است"

شرکت گسترده و پراکندگی جغرافیایی سد راه دستگاه سرکوب شد

حضور گسترده معلمان در تجمع ها کار جلوگیری از انجام اعتراضات را برای ماموران سرکوب این بار نیز غیر ممکن کرد. این اولین نقطه قوت تظاهرات بود و نشان داد هر گاه که اعتراضات از لحاظ جغرافیایی گسترده و فراگیر باشد سرکوب آن بسیار دشوار خواهد بود



و مستلزم تحمل هزینه و خسارات مادی و سیاسی کلان برای حکومت است. کما اینکه در چند شهر ماموران با غرق کردن خیابانها و بازداشت حداقل ۱۰ تن از سازمانگران اعتراض و حمله به تظاهر کنندگان موفق به ناکام گذاشتن اصل حرکت نشدند. حملات ماموران در اصفهان، اهواز، مشهد و شیراز، مانع از برگزاری کامل تجمع ها در بعضی از این شهر ها در مکانهای اصلی تجمع ها شد. با این همه حضور معلمان حتی در این شهر ها برای مردم ملموس و حمله به اجتماعات خود باعث انعکاس وسیع اخبار اعتراضات در این شهر ها و سراسر کشور شد.

نگرانی از گسترش اعتراضات موجب شد تا روسای نهادهای سرکوب عده ای از بازداشت شدگان در تجمع های شهر های مختلف را در شب ۲۳ دی ماه آزاد کنند.

به گزارش کانال شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان که فراخوان اعتراض خیابانی ۲۳ دی را داده بود: ماموران در اصفهان، شیراز، مشهد و اهواز با حمله به تجمع کنندگان، تعدادی از شریفترین معلمان را بازداشت کرد. اگر چه تعدادی از بازداشت شدگان آزاد شدند، ولی تاکنون محسن عمرانی و محمود ملاکی از بوشهر، مراد نوشادی، حمیدعباسی، صادق پارسایی و معلمی که هویت ایشان مشخص نشده از شیراز و آقای گلزاریان از مشهد در بازداشت نیروهای امنیتی هستند". بنا به گزارشات بعدی عده ای از این افراد نیز آزاد شدند.

سازماندهی خوب و تشکل مستقل سراسری و همبستگی نقش اصلی را در موفقیت حرکت داشت. سازماندهی تظاهرات و به سرانجام رساندن آن در ۸۱ شهر دور و نزدیک بدون وجود تشکیلات منظم و منضبط و مستقل صاحب نفوذ در میان معلمان و فرهنگیان و وجود همبستگی و همدلی و اشتراک منافع میان فرهنگیان میسر نبود. این دومین درس ارزشمند اعتراض ۲۳ دی ماه معلمان و فرهنگیان برای سایر گروه های اجتماعی تحت ستم و سرکوب بود.

حضور رهبران در پایداری علیه معلمان مقابل نیروهای سرکوب نقش مهمی داشت

تقریباً تمام رهبران کانون های صنفی متحد شده در شورای هماهنگی با وجود اینکه غالبشان پرونده باز امنیتی دارند و بعضاً با سپردن وثیقه بطور موقت از زندان آزاد شده اند در اجتماعات اعتراضی فرهنگیان در شهر های مختلف شرکت و سخنرانی های پر شور و انگیزه دهنده ای برای همکاران و اعضای تشکلهای شان ایراد کردند و نشان دادند که بر خلاف گردانندگان تشکلهای زرد و توجیه گر سیاستهای سرکوبگرانه و عدالت ستیزانه حکومتی بی مهلبا از عواقب کاری که میکنند برای پیگیری حقوق اعضای شان ایستاده و پا به پای آنان در مبارزه و هدایت مسولانه مبارزه مشارکت فعال دارند.

وجود رهبران شجاع و آگاه و آشنا به فوت و فن مبارزه و حضور مستقیم آنان در مبارزه درس سوم اعتراض ۲۳ دی ماه فرهنگیان و شرط لازم برای کامیابی هر جنبش مردمی است. این امتیازی است که فرهنگیان از نعمت آن برخوردار هستند و خود تضمینی است برای کامیابی حرکات آتی.

عامل دیگری که در ناکام گذاشتن جلوگیری از برگزاری حرکت سراسری نیرومند معلمان توسط حکومت نقش حائز اهمیتی داشت، استفاده از سلاح قلم و رفتار مدنی معلمان از آغاز تا پایان در مقابل تفنگ و خشونت بود. بطوری که به سرکوبگران اجازه نداد با صحنه سازی دست به تخریب بزنند و آن را به تظاهر کنندگان نسبت بدهند و مستمسک سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز و مدنی قرار دهند.

ماموران البته در شهر های مشهد، شیراز، اصفهان و اهواز... تلاش زیادی برای به خشونت کشاندن تظاهرات کردند ولی ناکام ماندند. این ناکامی و شکست البته به معنی عقب نشینی حکومت از اعمال خشونت و سرکوب در آینده نیست، زیرا تنها ابزار باقی مانده برای حفظ قدرت حکومت بی پشتوانه مردمی خشونت و تفنگ است. با این همه یک تجربه مبارزاتی است که می تواند هرگاه سببه مردم مانند حرکت معلمان پرزور باشد ماموران سرکوب را با مشکل روبرو کند.

این موارد البته تنها نقاط قوت و آموزنده حرکت سراسری معلمان نیستند. موارد دیگری هم وجود دارند که مطرح خواهند شد. راه کار های موثر و کار آمد مبارزاتی در حین مبارزات توده ای است که تدریجاً کشف و ابداع و بکار گرفته می شوند و رهبران جنبش ها نیز در جریان مبارزه است که تربیت می شوند. حرکتهای اعتراضی و مبارزاتی پیشین معلمان تجربیات گرانقدری برای ستمدیدگان به ارمغان آوردند. اینبار نیز تظاهرات سراسری فرهنگیان تجربیات و اندوخته های ارزشمند دیگری از خود برای جنبش های اجتماعی مردمی به ارمغان آورد. تجربیاتی که اگر به درستی آموخته و به کار گرفته شوند، کامیابی جنبش ها در رسیدن به اهداف شان را تسریع خواهند کرد.

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

به غارت سرمایه های تامین اجتماعی پایان دهید!

دولت باید بدهی خود به صندوق تامین اجتماعی را پرداخت کند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتراضات دامنه دار و همزمان معلمان و فرهنگیان در شهرهای مختلف

اعتراض سراسری معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ۲۳ دی ماه با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برگزار شد.

این اعتراض این بار نیز با استقبال گسترده فرهنگیان از آن در ۸۱ شهر به صورت پرشکوهی برگزار شد و همه تلاشهای نیروهای امنیتی از اشغال و قرق محل های برگزاری تا یورش و حمله و بازداشت شمار زیادی از رهبران و سازمانگران تشکلهای و اعتراضات برای جلوگیری از برگزاری آن به دلیل مقاومت تظاهر کنندگان و سازماندهی مناسب تجمع ها نقش بر آب شد.

این چهارمین اعتراض سراسری طی دو ماه گذشته است که با موفقیت برگزار شده اند و تأثیرات غیر قابل انکاری از خود بجای گذاشته و نگاه های همه از ادیخواهان و عدالت پژوهان را متوجه خود کرده اند.

تظاهر کنندگان در شهرهای مختلف علاوه بر اعتراض نسبت به بی تفاوتی دولت به خواسته های شان، بر ادامه و گسترش مبارزات شان تا رسیدن به خواسته های خود تأکید دوباره نمودند. آزادی معلمان زندانی در اجتماعات اعتراضی این بار نیز چون دفعات پیش طنین انداز شد و طنین آن در سراسر کشور پژواک یافت و امید به آزادی زندانیان سیاسی از طریق مبارزه را دو چندان کرد.

اعتراضات کارکنان دادگستری و قوه قضایی

اعتراضات کارکنان دادگستری و قوه قضایی در این هفته نیز در حداقل ۱۰ شهر کشور به صورت برگزاری تجمع های اعتراضی، اعتصاب و استعفا تداوم پیدا کرد. در ویدیوهایی که در رسانه های مجازی از این اعتراضات نمایش داده شد، معترضین شعارهایی علیه سیاستها و خلف و عده های دولت نیز سر می دادند.

خواسته های کارکنان امنیتی ترین دستگاه حکومت نیز کم و بیش مشابه خواسته های سایر کارمندان و کارگران و معلمان افزایش حقوق و اعتراض به تورم و گرانی بود. نه خود حکومت و نه جامعه انتظار چنین کنشهای اعتراضی تند و سریعی را از کارکنان دستگاه قضایی سرکوبگر حکومت و به خصوص قضات را که در جریان اعتراضات تا اقدام به استعفا و اعتصاب در تعدادی از شهرها پیش رفتند و استعفاهای خود در رسانه ها را نیز منتشر کردند نداشتند. ولی این اتفاق افتاد و نشان داد که نارضایتی و خشم و اعتراض عمومی نسبت به حکومت تا چه حد رشد و مستعد انفجار شده است.

اعتراض خشمگینانه کارکنان دادگستری چنان که در شعارها یشان معلوم می شد صرفاً اقتصادی نبود، سیاسی هم بود. و عجیب نیست که در یکی از پرفساد ترین نهادهای حکومتی که کارکنان اش شاهد ذبح همه جور عدالت و فساد روسای ارشد خود هستند چنین نباشد. کارکنان دستگاه قضایی خواستند یکجوری به مردم بفهمانند که حساب آنان را از روسای فاسد و جنایتکارشان امثال اژدهای و قاضی صلواتی ها جدا کنند. بیزاری از سیستم تا بیخ گلوی بیت خامنه ای ریشه دوانده و آب رفته را رژیم قادر نیست به جوی برگرداند.



ادامه اعتصاب و اعتراض در شرکت‌های نفتی و پتروشیمی

اعتصاب و اعتراضات در شرکت‌های نفتی همچنان ادامه دارند و کارگران آنها همچنان به اشکال مختلف برای احقاق حقوق شان مشغول مبارزه هستند. ادامه اعتراضات حاکی از آن است که خواسته های کارگران برایشان حیاتی است و آنان حاضر نیستند با تهدید و اخراج از مبارزه شان دست بکشند.

در این هفته نیز چند اعتصاب و تجمع توسط کارگران در تعدادی از شرکت‌های پیمانی برگزار شد که گزارش تعدادی از آنها توسط کانال های خبر رسانی کارگری با جزئیات منتشر شد.

اعتصاب کارگران پایانه نفتی قسم، پیمانکاری کیوان و پتروشیمی مارون از شرکت‌هایی بودند که در این هفته بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و برخی دیگر از منابع کارگری در آنها کارگران شان اعتصاب کردند. خواسته های کارگران هر سه شرکت به رغم تفاوت‌های کمی با هم دارند، مشابه اند. افزایش حقوق، اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت به موقع دستمزد و مزایای مزدی و حق سختی کار ویژه مناطق نفتی و افزایش مرخصی ماهیانه هستند.

تجمع اعتراضی رانندگان بخش خصوصی

رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد بنا به گزارش کانال سندیکای واحد در ۲۰ دی ماه در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع دستمزدشان در مقابل گیت ریاست جمهوری تجمع کردند.

تا حقوق ندادند استارت نزن راننده، شرکت‌های خصوصی منحل باید گردد، سختی کار و بیمه حق مسلم ماست، بازسازی اتوبوس حق مسلم ماست، یارانه کارت بیلپ حق مسلم ماست، سایر مطالبات رانندگان بود که به صورت شعار در تجمع شان مطرح شد.

همچنین در ۱۸ دی ماه رانندگان خطوط بی آر تی شرکت واحد در اعتراض به رسیدگی نکردن مدیریت شرکت واحد به خواسته های رانندگان مبادرت به اعتراض با چراغ روشن و کاهش سرعت اتوبوس ها به ۳۰ کیلو متر در ساعت در خیابانهای پایتخت کردند.

گفتنی است که این اعتراض با وجود موانع حراست و مدیریت شرکت واحد و جلوگیری از خروج اتوبوسهایی که رانندگان شان در سازماندهی اعتراض نقش محوری داشتند، برگزار شد. خواسته اصلی رانندگان افزایش دستمزد به ۱۶ میلیون تومان معادل هزینه سبد خواربار است. سندیکای واحد قبل از شروع اعتراض در بیانیه مبسوطی که منتشر کرد چرایی دستمزد ۱۶ میلیون تومان را با شرح جزئیات آن توضیح داده بود.

اعتراض آموزشیاران پذیرفته شده در آزمون استخدامی نهضت سواد آموزی

به نوشته خبرگزاری ایلنا آموزشیاران پذیرفته شده ی نهضت سوادآموزی نسبت به بالاترین وضعی شغل خود اظهار نگرانی و اعتراض کردند.

گفتنی است که در طی ماه های گذشته آموزشیاران با درخواست استخدام در آموزش و پرورش به دفعات پیاپی مقابل مجلس تجمع کرده بودند. در اثر این اعتراضات دولت و مجلس مجبور شدند آزمونی برای استخدام عدهای از آنان که واجد شرایط تشخیص داده بودند برگزار کنند. اما همچنان از استخدام پذیرفته شدگان در آزمون به رغم اینکه این افراد سابقه کار آموزشی طولانی و مدارک تحصیلی مرتبط با شغل معلمی دارند طفره می روند. این در حالی است که آموزش و پرورش با کمبود معلم و مربی آموزشی و مشکلات ناشی از آن دست به گریبان است. علت آن هم سهم اندک بودجه آموزش در برنامه بودجه است.

اعتراض کارگران پروژه تونل آزاد راه منجیل

کارگران پروژه تونل آزاد راه منجیل در ۱۸ دی ماه دوباره به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان و سرودانده شدن توسط پیمانکار و مسئولین دولتی مجبور به برگزاری تجمع اعتراضی شدند.

ایلنا در مورد مطالبات مزدی پرداخت نشده کارگران نوشت:

«۱۸ دی ماه کارگران پروژه تونل آزاد راه منجیل که (یکی از کارگران پروژه تونل آزاد راه منجیل به خبرنگار ایلنا گفت: صبح امروز "پیش از این به نهادهای دولتی بارها مراجعه کرده بودند، در محوطه کارگاه و محل فعالیت پیمانکار اصلی پیگیر مطالبات مزدی و عیدی و سنواتی خود شدند.

او گفت: کارفرمای شرکت مجری ساخت پروژه تونل شماره سه و چهار محور منجیل به رشت در محدوده رودبار که مسئولیت "حدود ۲۰۰ کارگر را برعهده دارد، علارغم متوقف کردن این پروژه عمرانی، مطالبات عقب افتاده کارگران را نمی‌پردازد.



ستمگری شرکتهای پیمانکاری و شهرداریها علیه کارگران شهرداری ادامه دارد

ستمگری و حق کشی های صاحبان شرکتهای پیمانکاری و مدیران شهرداریها علیه کارگران زحمتکش شهرداری ها همچنان ادامه دارد. در این میان نهادهای دولتی و حکومتی ذیربط نیز با وجود اطلاع از این وضع در مقابل ستمگری و قانون شکنی ها این شرکتهای سکوت کامل را پیشه کردهاند و به ادامه رفتار کارفرمایان کمک می کنند. تنها در این هفته حداقل سه مورد اعتصاب از طرف کارگران ، لوشان و شهرداری منطقه ۶ اهواز به دلایلی چون پرداخت نشدن به موقع مطالبات، رد نکردن منظم و کامل کت عبدالله شهرداری های حق بیمه و مطالبات مشابه انجام گرفت. در اهواز این اعتصاب نزدیک به یک هفته است ادامه دارد که نتیجه آن تلنبار شدن زباله ها در کنار خیابانهای شهر شدهاند. البته اعتراض در شهرداری های زیادی بطور مستمر وجود دارد ولی گزارش اکثر آنها منتشر نمی شوند. کارگران شهرداری لوشان به خبرنگار ایلنا گفته اند، ۱۵ ماه حقوق پرداخت نشده طلبکارند/ تصور اینکه حقوق کارگر را ۱۵ ماه ندهند باور نکردنی می نماید، ولی واقعیتی است ساری و جاری که وجود دارد. وضع زندگی کارگری را که ماها دستمزد نا قابل خودش را نگرفته تصور کنید و خودتان را جای خانواده آنان بگذارید تا رنجی را که بر آنان می رود ملتفت شوید

ستمگری شرکتهای پیمانکاری و شهرداریها علیه کارگران شهرداری ادامه دارد

ستمگری و حق کشی های صاحبان شرکتهای پیمانکاری و مدیران شهرداریها علیه کارگران زحمتکش شهرداری ها همچنان ادامه دارد. در این میان نهادهای دولتی و حکومتی ذیربط نیز با وجود اطلاع از این وضع در مقابل ستمگری و قانون شکنی ها این شرکتهای سکوت کامل را پیشه کردهاند و به ادامه رفتار کارفرمایان کمک می کنند. تنها در این هفته حداقل سه مورد اعتصاب از طرف کارگران ، لوشان و شهرداری منطقه ۶ اهواز به دلایلی چون پرداخت نشدن به موقع مطالبات، رد نکردن منظم و کامل کت عبدالله شهرداری های حق بیمه و مطالبات مشابه انجام گرفت. در اهواز این اعتصاب نزدیک به یک هفته است ادامه دارد که نتیجه آن تلنبار شدن زباله ها در کنار خیابانهای شهر شدهاند. البته اعتراض در شهرداری های زیادی بطور مستمر وجود دارد ولی گزارش اکثر آنها منتشر نمی شوند. کارگران شهرداری لوشان به خبرنگار ایلنا گفته اند، ۱۵ ماه حقوق پرداخت نشده طلبکارند/ تصور اینکه حقوق کارگر را ۱۵ ماه ندهند باور نکردنی می نماید، ولی واقعیتی است ساری و جاری که وجود دارد. وضع زندگی کارگری را که ماها دستمزد نا قابل خودش را نگرفته تصور کنید و خودتان را جای خانواده آنان بگذارید تا رنجی را که بر آنان می رود ملتفت شوید

به گروگان گرفتن دستمزدهای کارگران برای مدتی طولانی، محدود به شهرداری ها نیست

درست در همین روز که ایلنا اخبار مربوط به اعتصاب های کارگران چند شهرداری را منتشر کرد، گزارشی را نیز در خصوص پرداخت نکردن حقوق و حق بیمه کارگران قطار شهری اهواز در ۱۵ ماه گذشته انتشار داد و نوشت

کارگران قطار شهری اهواز "۱۵ ماه نه حقوق گرفته اند و نه بیمه برایشان رد شده، مثل خیلی از کارگران دیگر که شکایتشان راه به جایی نبرده، کارگران قطار شهری اهواز نیز بارها برای رسیدن به حقوق خود اعتراض کرده اند بی آنکه به نتیجه برسند. خودشان می گویند: «شرکت پیمانکار پولدار است اما چون از شهرداری طلب دارد، حقوق ما را نمی دهد و با این کار می خواهد شهرداری را تحت فشار»." قرار دهد. ما چه کار کنیم که پیمانکار با شهرداری و استانداری مشکل دارد؟

محکومیت عوامل جان باختن بکتاش آبتین توسط تشکلهای مستقل کارگری و فرهنگی

زمینه سازی عوامل امنیتی و قضایی رژیم آدم کش و جنایتکار برای کشتن بکتاش آبتین شاعر و هنرمند مردم گرا و آزادیخواه و عضو کانون نویسندگان ایران چنان موجی از خشم و اعتراض از عاملان این جنایت هولناک را در جامعه بوجود آورده است، که سرکردگان نهادهای سرکوب و سرکردگان جانی این نهادها را دچار سراسیمگی نموده است. صدور بخشنامه ممنوعیت شکنجه توسط زندانبانان و آدمکشان، از نشانه های بارز این سراسیمگی و نگرانی از پیامدهای جنایاتی است که ۴۳ سال است ادامه دارد. سندیکاها هفت تپه، سندیکای شرکت واحد و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و اتحاد بازنشستگان نیز در بیانیه های جداگانه ای که منتشر کردند، عاملان این جنایت را که شکل تازه ای از کشتار اندیشمندان و فعالین سیاسی و مدنی است محکوم کردند و جان باختن آبتین را تسلیت گفتند.

گزارش کانال سندیکای واحد از پرونده سازی تازه علیه دو فعال کارگری مبارز و مقاوم

پرونده سازی جدید برای اسماعیل گرامی و شاپور احسانی راد دو کارگر بازنشسته زندانی از سوی رئیس زندان تهران بزرگ



با شکایت رئیس زندان تهران بزرگ، اسماعیل گرامی و شاپور احسانی راد دو کارگر بازنشسته زندانی به همراه چهار زندانی سیاسی دیگر روز ۱۸ دی از سوی دادسرای فشافویه احضار شدند و با اتهام ساختگی "شورش در زندان" پرونده جدیدی برایشان باز شد و با صدور قرار وثیقه صد میلیون تومانی به زندان بازگردانده شدند.

ماجرای این قرار است که چندی پیش با کوتاهی مسئولین زندان و نگهبانان، چندین تن از زندانیان در حضور مسئولین زندان و نگهبانان، گروهی از دیگر زندانیان به دلیل اینکه نامبردگان نسبت توزیع مواد مخدر در زندان معترض بودند حمله شد و آنان را مضروب کردند. اما با این وجود برای نامبردگان با اتهام "شورش در زندان" پرونده سازی می‌شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پرونده سازی جدید برای اسماعیل گرامی و شاپور احسانی راد دو کارگر بازنشسته که به دلیل دفاع از حقوق کارگران و بازنشستگان زندانی شده‌اند را محکوم می‌کند و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آنان می‌باشد.

منبع: کانال سندیکای واحد

افزایش واقعی دستمزدها و حقوق بازنشستگی مستلزم مبارزات گسترده، متحدانه و سازمانیافته است!

حق اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگر است!

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای تشکیل سندیکا و تشکلهای مستقل و آزادی فعالین کارگری زندانی حمایت کنیم!



تصاویری از تجمع اعتراضات بازنشستگان در ۲۶ دی ماه مقابل مجلس





نیروهای اخراجی مخابرات استان خوزستان به عدم اجرای حکم بازگشت به کار خود اعتراض کردند



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>